رواق قدس

ویژه فرهنگ و معارف رضوی

پنجشنبه ۲۷ خرداد ۱۴۰۰

۶ ذی‌القعده ۱۴۴۲ | ۱۷ ژوئن ۲۰۲۱ | سال سی و چهارم | شماره ۹۵۵۴ | ویژه‌نامه ۸۲

www.qudsonline.ir

خلاصه ای از برنامه تلویزیونی «رواق»

اینجا حاجت ها گُل می کنند

۳

آستان قدس رضوی سرباز امریه جذب می کند

۴

انتخاب اصلح

مدیر گروه تاریخ و سیره مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه‌های علمیه تشریح کرد

انزوا از جامعه و سیاست در سیره رضوی جایی ندارد

صفحه ۲

این خانواده ۵۰ سال است حرم امام رضا(ع) را چراغانی می‌کند

وقفی از جنس نور

۴

عکس: وحید بیات / قدس

سازه «تل زینبیه» تابستان ۱۴۰۲ تکمیل می‌شود

۴

روایتی از زندگی احمدبن‌موسی(ع) به بهانه بزرگداشت او در پنجمین روز دهه کرامت

شاه! چراغ

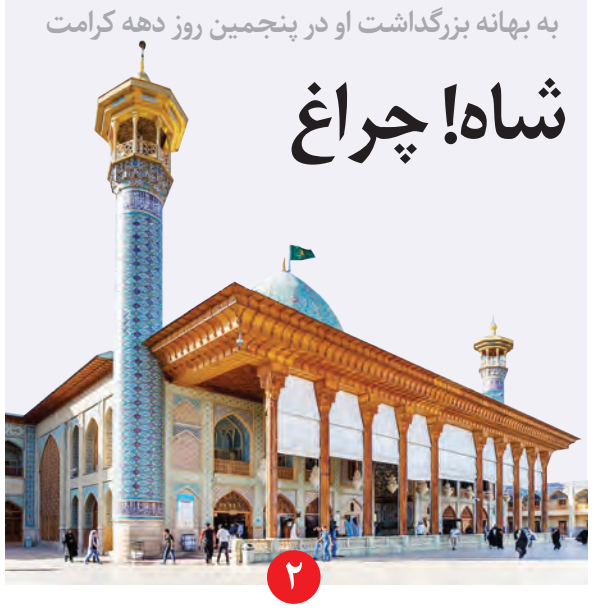

۲

مجازآباد

مشت نمونه خروار است

حاج حسین یکتا پس از پیروزی تیم ملی فوتبال ایران در بازی‌های مقدماتی جام جهانی در توییتی نوشت: دم بچه‌های ما گرم. قرمز و آبی کنار هم که آمدند، یک رنگ که شدند به رنگ ملی افتخارآفرین مستطیل سبز شدند و سرنوشت ساختند. مُشت نمونه خروار است. و جمعه‌ای که دوباره ملت در سرزمین سبز ایران یک رنگ خواهند شد و سرنوشتی دیگر رقم خواهند زد. ملتی به رنگ ملی».

مردم میدان

روزهای پایانی هفته منتهی به انتخابات ریاست جمهوری کشور در حال سپری شدن است و تب و تاب انتخابات در بین جوانان ایرانی هر ساعت بیشتر می‌شود. در همین راستا کاربران فضای مجازی معتقدند حضور و مشارکت حداکثری در انتخابات مانند جنگیدن در جبهه‌های حق علیه باطل است و می‌تواند به شکست دشمن بینجامد و فعالیت در این مسیر ادامه دادن راه شهدایی، چون حاج قاسم است، پس با داغ کردن هشتگ #مردم_میدان برای سومین روز متوالی بار دیگر مردم و دیگر کاربران را به حضور در انتخابات دعوت کردند. در ادامه چند نمونه از توییت‌های منتشر شده توسط کاربران را می‌خوانید: «در مقابلِ «رأی بی رأی» عمروعاص‌های زمانه باید مالک‌اشتر بود، نه ابوموسی اشعری...به قطره قطره خون حاج قاسم قسم ما مردم می‌دانیم. ۲۸ خرداد این را ثابت می‌کنیم...یک ایرانی ولایی هم از خاکش دفاع می‌کنه هم از صندوق رأیش».

هم خلاف شرع است، هم خلاف عقل

صفحه مجازی نوجوان منتسب به دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب اسلامی در روزهای منتهی به ایام انتخابات ریاست‌جمهوری، پست‌هایی را در قالب تصویرنوشته به صورت روزانه منتشر می‌کند. این پست‌ها برگرفته از بیانات رهبر انقلاب در ارتباط با انتخابات است. در ادامه جدیدترین پست این صفحه اینستاگرامی را مشاهده می‌کنید: «فضای اهانت و هتک حرمت در جامعه، یکی از آن چیزهایی است که اسلام مانع از آن است؛ نباید این اتفاق بیفتد. فضای هتک حرمت، هم خلاف شرع است، هم خلاف اخلاق است، هم خلاف عقل سیاسی است. انتقاد، مخالفت، بیان عقاید با جرئت، هیچ اشکالی ندارد؛ اما دور از هتک حرمت‌ها، اهانت‌ها، فحاشی و دشنام».

درباره مرحوم سیدابوالحسن حافظیان، بانی چهارمین ضریح حرم رضوی

مبلغ محبوب اسلام در شبه قاره هند

محمدحسین نیکبخت: سیدابوالحسن حافظیان در زمره بزرگانی است که تنها در میان مردم مشهد شهرت ندارد؛ شهرت او از مرزهای ایران گذشته و آن مرحوم را به یک چهره بین‌المللی تبدیل کرده است. اگر بگوییم او در میان مسلمانان شبه قاره هند شناخته شده‌تر است تا در میان همشهری‌های خودش، حرفی به گزافه نگفته‌ام. مرحوم حافظیان، طراح و بانی چهارمین ضریح حرم مطهر امام رضا(ع)، مشهور به «شیر و شکر» بود، اما خدمات او به این کار محدود نمی‌شود. برای قدیمی‌های مشهد، کسانی که حالا سن و سالی از آن‌ها گذشته است، سیدابوالحسن حافظیان فردی معتمد و صاحب علم بود؛ به او احترام می‌گذاشتند و برای حل مشکلاتشان، از او سراغ می‌گرفتند. زنده‌یاد عزیزالله عطاردی به نقل از علامه امینی، صاحب اثر سترگ «الغدیر»، مرحوم حافظیان را «کلید پاکستان و هندوستان» می‌دانست. خدمات او به مسلمانان هند و ترویج اسلام و مکتب اهل‌بیت(ع) در شبه قاره، یکی از افتخارات سیدابوالحسن حافظیان است که احتمالاً درباره آن چیز زیادی نشنیده‌اید. بانی ضریح «شیر و شکر»، حدود نیم قرن در هند و پاکستان زندگی کرد و چنان در میان مردم آن سامان مشهور شد که برخی اصالت ایرانی وی را از یاد برده بودند. با این حال، حافظیان هیچ‌گاه تابعیت و هویت ایرانی خود را ترک نکرد. او در اردیبهشت ۱۳۶۰، در زادگاهش مشهد مقدس دیده از جهان فرو بست و در رواق دارالسرور به خاک سپرده شد. در صفحه رواق امروز می‌خواهم برایتان از این عارف متشرع و نام‌آشنای شهر مشهد بگویم.

آغاز کسب معرفت با نخودکی و زرآبادی

مرحوم حافظیان در سال ۱۲۹۶ش. در مشهد متولد شد. پدرش سید میرزاآقا تسلط خوبی بر ریاضیات و علوم غریبه داشت و همین مسئله سبب علاقه‌مندی او به ریاضت‌های شرعی و آموختن علوم غریبه شد. پدر که در جبین فرزند عشق و علاقه به تهجد و تهذیب نفس را می‌دید، او را نزد شیخ حسنعلی نخودکی، عارف نامدار معاصر برد و سیدابوالحسن به یکی از شاگردان نزدیک و مورد توجه مرحوم نخودکی تبدیل شد. او روزها را به فراگیری علوم دینی، ریاضیات، علوم غریبه، طب و دیگر دانش‌ها می‌گذراند و شب‌ها را در حجره‌ای واقع در حرم مطهر، صرف ریاضت‌های شرعی و تهجد و شب‌زنده‌داری، زیر نظر مرحوم نخودکی می‌کرد. به این ترتیب، مرحوم حافظیان در عنفوان جوانی، به عارفی متشرع و صاحب کمالات تبدیل شد؛ او این فرصت را یافت که با دلالت و راهنمایی دوستش، آیت‌الله حاج شیخ مجتبی قزوینی، از محضر عارف عامل، سید موسی زرآبادی که در قزوین ساکن بود نیز بهره‌مند شود.

هجرت به شبه قاره

بروز بیماری تنفسی و تجویز اطبا به زندگی در نقاط گرمسیر، موجب شد مرحوم حافظیان در سال ۱۳۱۶ش. جلای وطن کند و تصمیم به اقامت موقت در هندوستان بگیرد، اما این اقامت ۵۰ سال طول کشید. او در این مدت، افزون بر شغل تجارت چای، به رفع مشکلات مسلمانان شبه قاره و تکمیل تهذیب نفس و دانش‌های روز مشغول بود. در همین دوره مرحوم حافظیان با بزرگان شبه قاره هند ارتباطی تمام پیدا کرد و تلاش‌های او برای بهبود کیفیت معیشت مسلمانان در آن منطقه، بر شهرت و محبوبیت وی افزود. آن مرحوم ارتباطی گسترده با مراکز علمی هند و پاکستان برقرار کرد؛ آن‌گونه که مرحوم عزیزالله عطاردی هنگام سفر به پاکستان، براساس توصیه علامه امینی، نزد سیدابوالحسن حافظیان رفت تا با مدد او، بتواند به منابع علمی موجود در کتابخانه‌های هند و پاکستان دست یابد. مرحوم حافظیان با بزرگانی مانند اقبال لاهوری حشر و نشر داشت و همین ارتباطات موجب شناخته شدن بیشتر شخصیت او در میان مردم شبه قاره شد. یکی از اقدام‌های بسیار مهم آن مرحوم، تلاش برای تبلیغ اسلام در میان هندوها و سیک‌ها بود. مرحوم حافظیان با تلاشی خستگی‌ناپذیر روزهای متوالی را صرف بحث و مناظره با بزرگان مکاتب مختلف می‌کرد و از این رهگذر، جمع زیادی از پیروان مذاهب گوناگون هند، دین اسلام را پذیرفته و به آن مشرف شدند. او نحوه سخن گفتن با مردم شبه قاره را به خوبی می‌دانست و از رویکردهای اجتماعی و فرهنگی و حتی آداب و رسوم آن‌ها به خوبی مطلع بود و همین آگاهی، از وی مبلغی توانمند و ناصحی صاحب نفوذکلام ساخت.

خدمات مرحوم حافظیان در شبه‌قاره به فعالیت‌های فرهنگی محدود نشد؛ او در ساخت مراکز بهداشتی و رفاهی برای مردم و همچنین ساخت مسجد، فعالانه شرکت می‌کرد. وی در شهر سرینگر کشمیر، برای شیعیان محله «گرو بازار» مسجدی زیبا بنا کرد که همچنان پابرجاست.

این خدمات، چنان در ذهن و خاطر مردم آن سامان باقی مانده است که در سال ۱۳۸۹ش. مراسم یادبود و بزرگداشت باشکوهی برای مرحوم حافظیان برگزار کردند.

بانی ضریح شیر و شکر

توقف مرحوم حافظیان در هند و پاکستان، دائمی نبود، به‌ویژه پس از سقوط رضاشاه، او بیشتر به ایران می‌آمد و در این رفت و آمدها هم منشأ خدمات بسیار می‌شد. با همت او، ضریح قدیمی حرم مطهر امام رضا(ع) تعویض شد و ضریح شاه‌عباسی جای خود را به ضریح «شیر و شکر» داد. این ضریح را در سال ۱۳۳۸ش. روی مرقد مطهر امام(ع) نصب کردند و مرحوم حافظیان افزون بر نظارت بر طراحی و ساخت، بخشی از هزینه آن را هم متقبل شده بود. او از ترویج دین در میان همشهریان خودش نیز غافل نبود؛ بسیارند سالمندان امروز و کودکان دیروز که با هدایا و تشویق‌های مرحوم حافظیان، قرآن و شرعیات آموختند. این عارف عامل سرانجام در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۶۰، در ۶۴ سالگی دیده از جهان فروبست.

آن روزها

محمدخان تکلو؛ بانی تزئینات روضه منوره

محمدرضا انصافی: حتماً تا به حال در صفحه نخست رواق مطالبی درباره سیر تکامل تزئینات در روضه منوره و اماکن متبرکه خوانده‌اید؛ اینکه چگونه کاشی‌کاری در حرم رضوی آغاز شد و به اوج رسید یا هنر نقاشی چگونه زینت‌بخش قسمت‌هایی از آن شد. همان‌طور که می‌دانید تا پیش از آینه‌کاری سقف روضه منوره یا به عبارت بهتر، آینه‌کاری زیر گنبد طلا، این بخش با نقاشی تزئین شده بود، این نقاشی‌ها که امروزه زیر آینه‌ها مخفی هستند در دوره شاه‌طهماسب یکم صفوی و با تدبیر محمدخان تکلّو کشیده شدند. محمدخان از اُمرا و صاحب‌منصبان مشهور دولت صفوی در نیمه نخست آن بود؛ وابسته به ایل «تکّلو»، یکی از هفت طایفه مشهور قزلباش که شاه اسماعیل را در تأسیس دودمان صفوی یاری کردند. سال تولد محمدخان را نمی‌دانیم، اما او بین سال‌های ۹۴۳ تا ۹۶۴ق. یعنی حدود ۲۱ سال، حاکم خراسان بوده است. در آن زمان، حاکم‌نشین خراسان شهر هرات بود و از آنجا که شاه صفوی، ولیعهد خود را به حکومت هرات منصوب می‌کرد، حاکمان این شهر، سرپرستی ولیعهد را هم برعهده داشتند و از این رو در آینده سیاسی کشور نقش مهمی ایفا می‌کردند. بگذریم، محمدخان تکلو در مدت حکومتش بر خراسان و همچنین شهر مشهد، در آبادانی آن کوشش فراوان کرد. میرزابیگ حسن مشهور به «جنابدی» در کتاب «روضه الصفویه»، محمدخان را به عدل و داد ستوده است. مرگ عبیدالله خان ازبک در دوره او که سبب‌ساز هجوم دائمی ازبکان به خراسان شد، موجب گردید محمدخان فرصت فعالیت‌های عمرانی متنوعی را پیدا کند. او به آقا حسن نقاش هراتی دستور داد زیر گنبد روضه منوره را با طرح‌های اسلیمی نقاشی کند. این اتفاق در اواخر عمر محمدخان افتاد و او پس از اتمام کار نقاشی، عازم هرات شد، اما در میانه راه درگذشت. مشهور است که برای طلب آمرزش به مشهد آمده بود و به اطرافیانش می‌گفت که این آخرین سفر من خواهد بود. کفایت و مدیریت قوی محمدخان موجب رونق شهر مشهد و تسریع در توسعه امور زیربنایی حرم مطهر و نظم مالی آستان‌قدس شد. در زمان او، امور خیریه آستان گسترش فراوانی یافت. وی طی مدت اقامت در مشهد، در منزل بالینگاه که پیشتر در همین ستون تاریخچه آن را خوانده‌اید، ساکن می‌شد. محمدخان اهتمامی جدی برای رسیدگی به امور طلاب، مدرسان، خادمان حرم و به ویژه فقرای شهر داشت. به دستور او، برایش مقبره‌ای در مجاورت گنبد امیر علیشیر نوایی - که امروزه نشانی از آن در دست نیست - ساختند و محمدخان را پس از فوت در سال ۹۶۴ق. در همین مکان دفن کردند. جالب است وی در دوران امارتش، بارها مورد حسد بدخواهان قرار گرفت و حتی یک‌بار تا مرز برکناری از حکومت خراسان نیز پیش رفت، اما شاه صفوی درباره گزارش‌های مغرضانه‌ای که به دستش می‌رسید، مطمئن نشد و از آنجا که هیچ کس بیشتر از محمدخان تکلو لیاقت زمامداری خراسان و اداره مشهد را نداشت، او را دوباره به سوی این خطه فرستاد و بر مسند حکمرانی نشاند.

حضرت شاهچراغ(ع)؛ الگوی ولایت‌پذیری دکتر اصغر طهماسبی بلداجی، کارشناس علوم قرآن و حدیث در گفت‌وگو با قدس آنلاین گفت: فضیلت مهم حضرت احمد بن موسی(ع) در ولایت‌پذیری و قبول ولایت امام است. یاران امام کاظم(ع) پس از شهادت آن حضرت در خانه احمد جمع شدند و با احمد به عنوان امام پس از پدر بزرگوارش بیعت کردند. احمد در ابتدا مانع کار آن‌ها نشد، ولی می‌دانست و معرفت داشت پس از پرسش، علی بن موسی الرضا(ع) امام بر حق است. به همین دلیل مردم را نکته داشت و بر فراز منبر، با ولایت‌پذیری بسیار خطبه‌ای در کمال فصاحت و بلاغت ایراد کرد و گفت، ای مردم، هم چنان که تمام شما در بیعت من هستید، من در بیعت برادرم علی بن موسی هستم. او پیشوا و جانشین پس از پدرم است. او ولی خدا و رسولش بوده، بر من و شما واجب است به هر چه او فرمان دهد، فرمان‌برداری کنیم.

بزرگداشت

روایتی از زندگی احمدبن‌موسی(ع) به بهانه بزرگداشت او در ششمین روز دهه کرامت

شاه! چراغ

روآق: بیرزنی در پایین تل، خانه‌ای گلی داشت و در هر شب جمعه، ثلث آخر شب می‌دید چراغی در نهایت روشنایی در بالای تل خاک می‌درخشد و تا طلوع صبح برقرار است.

چند شب جمعه مراقب بود و همیشه می‌دید روشنایی چراغ به همین کیفیت ادامه دارد. با خودش فکر کرد این مکان باید قبر یکی از امامزادگان یا اولیای خدا باشد و بهتر است امیر عضدالدوله را در جریان بگذارد. یک روز به همین قصد به سرای عضدالدوله دیلمی رفت و کم و کیف آنچه این چند مدت دیده بود را به گوش او رساند.

امیر و حاضران از آنچه شنیده بودند بسیار متعجب شدند.

درباریان که چنین موضوعی را خلاف می‌دانستند، هر کدام با سلیقه خود چیزی گفتند. عضدالدوله اما غرق در اندیشه آنچه پیرزن برایش تعریف کرده بود، گفت: «نباید چنین باشد که شما می‌گویید. سخنان این زن در دل من اثری نیکو باقی گذاشت؛ زیرا می‌گوید این چراغ، فقط در شب‌های جمعه، آن هم در ثلث آخر شب دیده می‌شود نه همه شب‌ها و نه تمام شب جمعه. با توجه به این موضوع، باید دقت بیشتری داشت؛ باشد که سری از اسرار مکشوف شود». تصمیم بر آن شد در نخستین شب جمعه، شخصاً میهمان خانه پیرزن شود و از همان زاویه به تماشای ماجرایی که پیرزن تعریف کرده بود، بنشیند. پلک‌های شاه سنگین شد و به پیرزن گفت ساعتی به فراغت پلک روی هم می‌گذارد و می‌خوابد ولی به پیرزن گفت هر زمان نور چراغ روشن شد، باید او را بیدار کند.

وقتی ثلث آخر شب شد، نور چراغ نمایان شد ولی این بار آنچه در چشم پیرزن آمد پرنوترز از دیگر شب‌ها بود. از شدت شعف در حالی که یک چشم به نور دوخته بود و با چشمی دیگر در جست‌وجوی شاه بود فریاد زد: «شاه! چراغ».

شاه نیز طوری پلک از هم برداشت که انگار اصلاً خواب نبوده است. وقتی امیر نور چراغ را دید به شدت حیران و شگفت‌زده بود. به سمت چراغ بر بالای تل رفت ولی اثری از چراغ ندید.

پایین که آمد ولی باز نور چراغ با روشنایی زیاد خودنمایی می‌کرد. تا ساعت‌ها این اندیشه در ذهنش بود که «این نور از کجاست؟ چیست؟ آنچه من دیده‌ام خواب بوده یا بیداری؟» که به خواب رفت. در عالم رؤیا سیدی بزرگوار و جلیل‌القدر را زیارت کرد که به او فرمود: ای امیر! چه در خیالی؟ در این محل، مدفن من است و من احمد بن موسی الکاظم هستم و برای اطمینان خاطر خود، کسی را در همین محل نزد ما بفرست تا انگشتری به جهت تو بفرستم».

در نهایت، امیر شخصی را برای کاوش در آن منطقه مأمور کرد تا اینکه مقبره فرزند ارشد حضرت موسی بن جعفر(ع)، حضرت شاهچراغ پیدا و به دستور امیر بر بالای آن جایگاهی ساخته شد.

روز بزرگداشت شاهچراغ

روز تولد شاهچراغ ۱۶ ذی‌القعده است هر چند به نظر کارشناسان قطعی نیست. از این رو تصمیم بر این شد در دهه کرامت یعنی حدفاصل تولد حضرت معصومه و امام رضا(ع) یک روز به عنوان روز بزرگداشت احمد بن موسی «شاهچراغ» تعیین شود که در نهایت روز ششم ذی‌القعده یعنی ششمین روز از دهه کرامت به نام روز بزرگداشت احمدبن موسی شاهچراغ به‌منظور ثبت در تقویم مناسبت‌های ملی- اسلامی کشور تصویب شد.

در جایگاه و رتبه او همین بس که چون خبر شهادت حضرت موسی کاظم(ع) امام هفتم شیعیان در مدینه شایع شد، مردم به در خانه امام‌احمد، مادر شاهچراغ «احمد بن موسی» گرد آمده و حضرت سید میر احمد را با خود به مسجد بردند، زیرا از جلالت قدر و شخصیت بارز و اطلاع بر عبادات و طاعات و نشر شرایع و احکام و ظهور کرامات و بروز خوارق عادات که در آن جناب سراغ داشتند، گمان کردند پس از وفات پدرش امام موسی بن جعفر(ع) امام بحق و خلیفه آن حضرت، فرزندش «احمد» است. به همین دلیل در امر امامت با او بیعت کردند و او نیز از مردم مدینه بیعت گرفت، سپس بر منبر بالا رفت، خطبه‌ای در کمال فصاحت و بلاغت قرائت فرمود، آنگاه تمامی حاضران را مخاطب ساخته و خواست غائبان را نیز آگاه سازند و فرمود: همچنان که اکنون تمامی شما در بیعت من هستید، من خود در بیعت برادرم علی بن موسی(ع) هستم، بدانید پس از پدرم برادرم «علی» امام و خلیفه بحق و ولی خداست و از جانب خدا و رسول (ص)، بر من و شما فرض و واجب است که امر آن بزرگوار را اطاعت کنیم و به هر چه امر فرماید گردن نهیم.

ادب الرضا

ما مشتری ثابت درگاه رضاییم

معین اصغری: ردیف، یکی از ارکان اساسی شعر کلاسیک است. چرا؟ چون وقتی تصمیم می‌گیرید همه ابیات غزل را به یک کلمه مختوم کنید، مجبورید مضامینی را در ذهن پرورش دهید که آخرش به همان کلمه برسد. در چنین شرایطی اگر برای ردیف واژه یا واژگان خوبی انتخاب شود، قطار ذهن روی ریل درستی می‌افتد و امید است به مقصد هم برسد. اما اگر شاعر برای ردیفش دقت نظر نداشته باشد معلوم نیست شعر سر از کجا دربیاورد.

در اغلب نمونه‌های اولیه شعر زبان فارسی، ردیف به صورت افعال ربطی و ساده همچون «است»، «بود» و «شد» مورد استفاده قرار می‌گرفته‌است ولی در طول زمان و به‌خصوص از نیمه دوم قرن پنجم هجری، شاعران به انتخاب ردیف‌های بلند و دشوار می‌پرداختند و برای نشان دادن قدرت شاعری از ردیف‌هایی با ترکیب‌های اسمی استفاده می‌کردند.

ردیف در قرن ششم به تقلید از زبان فارسی وارد زبان عربی شد و شاعرانی که شروع به استفاده از آن در زبان عربی کردند، اغلب فارسی‌زبان بودند. محمد فرخ طلب فومنی، شاعر جوان ما در این غزل از ردیف «قشنگ» استفاده کرده که اتفاقاً قشنگ درنیامده است. این خود بحثی است در ادبیات که آیا کلمات بار ذاتی دارند یا اینکه در همجواری با سایر کلمات بار معنایی پیدا می‌کنند. به عقیده بنده هر دو این‌ها درست است. مثلاً همین کلمه قشنگ وقتی در شعر می‌آید کار «زیبا» را نمی‌کند. کما اینکه کلمه خوشگل هم همین گونه است، چه بسه به اینکه شاعر بخواهد آن را ردیف بگذارد و تا آخر مدام آن را تکرار کند. حرف در این باره زیاد است و بهتر است از اینجا به بعد به خود شعر بپردازیم.

در مصراع اول درست آن بود شاعر بگوید آن لحظه که دل پر بزند پرواز قشنگ است اما شاعر با مسامحه از کنار آن رد شده است.

همین داستان در بیت بعد نیز دیده می‌شود و شاعر به جای آنکه بگوید عشقی که به ابراز می‌رسد قشنگ است می‌گوید عشقی که به ابراز رسیده است قشنگ است.

در کل به نظرم شعر به دو قسمت تقسیم می‌شد. پنج بیت اول هم از نظر زبانی و هم از نظر مضمون سست است، اما در سه بیت آخر ورق شعر برمی‌گردد و انگار شاعر تازه متوجه می‌شود باید چه بگوید. بیت ششم از سایر ابیات بیشتر پسندیدم و امیدوارم از این دست بیت‌ها در اشعار آینده شاعر عزیزمان بیشتر ببینیم.

آن لحظه که دل پر زده پرواز قشنگ است
از جان به لب آمده آواز قشنگ است
ای اشک سرازیر شو و غوطه‌ور کن
عشقی که رسیده ست به ابراز قشنگ است
و کل گره از کار من ای شاه خراسان
از جانب دستان تو اعجاز قشنگ است
خورشید برآورد سر از مشرق چشمت
هرچیز از آن نقطه آغاز قشنگ است
با هیچ کسی دَرهای از خویش نگفتیم
چون با تو همدم و همراز قشنگ است
بر خوان تو انگار که در خانه خویشیم
مهمانی در خانه دلباز قشنگ است
صدبار اگر زائر درگاه تو باشیم
چون روز نخستین حرمت باز قشنگ است
ما مشتری ثابت درگاه رضاییم
از ضامن آهو بخری ناز قشنگ است

نیمکت زندگی

خوشیم که از حالمان باخبرید

رقیه توسلی: «خاتون» هرروز جور قشنگی صدایتان می‌زند! ظهری حاج علی اکبر دو کیسه برنج نشانم داد و گفت: این‌ها اگر خدا قبول کند پیشکشی آقاست! فائزه خانم دست می‌کشد روی سر مهردار ۶ ساله و اسم شما را به‌زبان می‌آورد با شک! رامین داده پشت اتوبوسش، خطاط با رنگ سبز به شما سلام دهد! سیروس وای ماسک‌های نذری که توی صف اتوبوس توزیع کرده، نوشت: الهی که به‌حق و عنایتتان کرونا تمام شود! آقانعیم دارد در کتاب شعرش از شما می‌نویسد. آرزویش این است قلمی‌های عاشقانه‌اش مقبول بیفتد.ماه‌تی‌تی خدابیامرز وصیت کرد ثلث اموالش نذر آستانتان شود! از محالات است حامد ساعتش را کوک نکند روی ۸. عرض ارادت به شما توی خون و روحش است! مونا انگشتری هدیه گرفته برای پدرش. از آن‌ها که به‌گمانم دل هر بیننده‌ای را بقاید. آخر نام مبارک شما روی سنگ خوش‌رنگش حکاکی شده. راضیه زنگ زده دلتنگی دارد دیوانه‌اش می‌کند، قصد کرده باجیاره و بی باروبندیل یک‌سر بیاید چشمش نور بگیرد. باباجعفر توی ۷۰ سال مغازه‌داری نبوده روزی بی‌رخصت شما کلید بچرخاند توی قفل. دیروز سیسا و مریم خبر دادهاند به عشق شما، نام دوقلوهایشان را گذاشته‌اند: رضاداد و رضایار. مادر نیلا نقاشی دخترش را گذاشته توی گروه. نقاش کوچولو کولاک کرده. یک‌طرف گنبد طلا کشیده و یک‌طرف کاغذ را پر کرده از کبوتر... کبوترلن خوشحال. برای تک تک کبوترها جای نوک، یک نیم دایره گذاشته! دکتر محمدی به نیت شما مطب شلوغش را دو روز هفته رایگان کرده و... .

آه از دوری و بغض عود کرده... سلام آقاجان... سلام یاعلی بن موسی الرضا(ع)... آقای مهربان همه ما که این‌قدر گوشه‌گوشه آفاق دلداده دارید... گفتم اگر بشود از خانون و خالو علی اکبر و ماه‌تی‌تی و نعیم و باباجعفر و دکتر بنویسم و عرض کنم به خدمتتان که خوب دستمان آمده راههای زیادی برای گفتن دوستت دارم هست، راههای زیادی برای ابراز محبت اما امان از فراق... عرض کنم کرونا، بد دست و بالمان را بسته و دلمان برای روزگار پربرکت دیروزترها پر کشیده... برای زیارت و استخوان سبک کردن و تماشای چلچراغ حرم و اشک‌های سرمست قشنگ... و از همین فاصله خواستم اگر بشود برای خودم و این همه عاشق بیتاب، شما را بخواهم و دعا کنم!

مدیر گروه تاریخ و سیره مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه‌های علمیه تشریح کرد

انزوا از جامعه و سیاست در سیره رضوی جایی ندارد

آمنه مستقیمی: به مناسبت فرا رسیدن دهه کرامت که در سال ۱۴۰۰ برنامه‌های آن با شعار «خدمت کریمانه؛ گره‌گشایی به رسم اهل بیت علیهم‌السلام» اجرا می‌شود و در آستانه سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و به منظور بررسی مشارکت سیاسی اجتماعی در سیره امام رضا(ع) و نگاه عالم آل‌رسول(ع) با حجت‌الاسلام امیرعلی حسنلو، استاد حوزه علمیه قم و مدیر گروه تاریخ و سیره مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه‌های علمیه گفت‌وگویی ترتیب داده‌ایم که در ادامه مشروح آن تقدیم حضورتان می‌شود. حجت‌الاسلام حسنلو درباره کیفیت و شیوه مشارکت در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی در سیره امام رضا(ع) می‌گوید: امام رضا(ع) برای حل مشکلات و رفع رنج و ناراحتی مردم و رفع معضلات اجتماعی کارهای بزرگی انجام داده‌اند و با سیاستمداران و خلفا درگیر شدند و در دفاع از حقوق مردم با آن‌ها محاجه می‌کردند.

منزل امام رضا(ع) پناه محرومان بود

مدیر گروه تاریخ و سیره مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه‌های علمیه اضافه می‌کند: امام رئوف(ع) برای رفع فقر و تنگدستی و ادای قروض و دیون مردم و مراجعان در تلاش بودند؛ برای فقرا و طبقات محروم سفره اطعام می‌گشودند و از آنان حمایت و این شیوه و رفتار را به توانمندان توصیه می‌کردند و این سنت‌ها را در جامعه فرهنگ‌سازی کرده و رواج می‌دادند؛ هنگام سکونت در مدینه خانه ایشان مأمن و پناه عموم مردم بود و با وجود ممانعت و محدودیت‌های سیاسی و حصر سیاسی، در رسیدگی به برنامه‌ها بی‌نظیر عمل کردند.

حسنلو تصریح می‌کند: امام رضا(ع) آنچه را که در خراسان داشتند بین فقرا و بیچارگان تقسیم کردند تا جایی که فضل بن‌سهل ایشان را سرزنش کرده و گفت: در واقع این یک نوع تلف کردن است، اما امام رضا(ع) قاطعانه به او پاسخ دادند: بلکه این یک فایده است. چیزی را که اجر و پاداش به دنبال دارد زیان ندان! چنان‌که خود ایشان انفاق تمام مایملکشان برای فقرا و محرومان و نجات آن‌ها از فقر و فلاکت را زیان نمی‌دانستند. زیان آن چیزی بود که حکام عباسی و اموی و برادرانشان از اموال هنگفتی که در اختیار داشتند خرج شهوات خود می‌کردند و هیچ چیز به فقرای مسلمین نمی‌دادند.

راه رسیدن به بهشت در سیره رضوی

این استاد حوزه علمیه در ادامه بیان می‌کند: امام رضا(ع) هر گاه می‌خواستند چیزی بخورند، دستور می‌دادند سفره‌ای پهن شود و خوشمزه‌ترین غذاهای آن را به فقرا و نیازمندان می‌دادند و آن گاه این آیه را تلاوت می‌فرمودند: «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَهَ أَوْ إِطْعامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَهٍ» آن گاه می‌فرمود: خداوند می‌دانست همه کس توان آن ندارد که برده‌ای آزاد کند پس غذا دادن به نیازمندان را راهی به سوی بهشت خود قرار داده».

استاد حوزه علمیه قم ادامه می‌دهد: در «عیون‌الاخبار» به نقل از بزنطی آمده: نامه امام رضا(ع) به فرزندش امام جواد(ع) را خواندم که در آن آمده بود: فرزندم! شنیده‌ام که غلامانت وقتی قصد بیرون رفتن (از خانه) کنی تو را از درب کوچک خانه بیرون می‌برند و این از بخیلی و لئامت آن‌هاست که نمی‌خواهند خیر تو به کسی برسد حال به حقی که بر تو دارم از تو می‌خواهم که جز از درب بزرگ وارد و خارج نشوی و اگر قصد بیرون کردی حتماً طلا و نقره با خود همراه داشته باش و هر کس دست نیاز به سویت دراز کرد حاجتش برآورده کن و هر کدام از عمومیات اگر چیزی از تو خواست کمتر از ۵۰ دینار به او مده و بیشتر از آن را خواست کمتر از ۲۵ دینار به او مده و بیشتر از آن را خود دانی: من می‌خواهم خداوند تو را مقرب خویش گرداند؛ پس انفاق کن و از خدای، بیم فقر و نیاز، نداشته باش.

حجت‌الاسلام حسنلو با بیان اینکه از جمله مظاهر مشارکت امام رضا(ع) در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، خواندن نماز بارانی است که مرو را از خشکسالی نجات داد و مردم را مسرور کرد، می‌گوید: ایشان در امور سیاسی به ضرورت وارد شدند و به اجبار ولایتعهدی را پذیرفتند، با اینکه اجبار در کار بود اما حکمت‌ها و فواید بی‌شماری را برای مسلمانان و جامعه آن روز اسلامی فهم زدند؛ پیش از آن ناامنی، برادرکشی و خون‌ریزی در میان مسلمانان فراوان بود اما به برکت حضور و قدوم امام رئوف(ع)، بسیاری از این منازعات فروکش و علم و تعقل به جامعه روی کرد؛ این تنها یکی از حکمت‌های حضور امام رضا(ع) در صحنه سیاست بود.

اثبات حقانیت اهل بیت(ع) با حضور در عرصه سیاست

این استاد حوزه علمیه در ادامه تأکید می‌کند: با اینکه در امور سیاسی دخالت مستقیم نداشتند، اما همین حضور در عرصه سیاست حقانیت اهل بیت(ع) را به اثبات رساند و مردم به خوبی دریافتند که حق حاکمیت واقعی و شایستگی آن با خاندان رسول خدا(ص) است. وی در پاسخ به این پرسش که «آیا گوشه‌نشینی، انزوا و بی‌توجهی به امورات جامعه به دلیل وجود مشکلات در سیره امام رضا(ع) راه داشته است یا نه؟» می‌گوید: انزوا از جامعه، در سیره هیچ یک از اهل بیت(ع) دیده نشده است بلکه بر اساس تکلیف الهی و به‌حسب نیاز زمانه خود با مشکلات مواجه شده و در حل آن‌ها به مردم کمک کرده‌اند.

چنان‌که امیرالمؤمنین(ع) در ۲۵ سال دوری از قدرت ظاهری، برای حل تمام معضلات به جامعه اسلامی برنامه و ایده ارائه می‌کردند و خلفا اعتراف کردند: خدا هیچ معضلی برای ما نیاورد جز اینکه علی(ع) در حل آن ما را یاری نمود و اگر نبود حمایت‌های علی(ع) و وجود بابرکتش، عمر هلاک می‌شد.

مدیر گروه تاریخ و سیره مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه‌های علمیه ابراز می‌کند: این‌ها اعتراف‌هایی است که خلفا داشته‌اند و دیگر ائمه(ع) نیز هرگز منفعل نبوده‌اند؛ چنان که امام حسن(ع) در هر زمینه ای که شرایط اقتضا داشت و به مصلحت عالیه اسلام بود، سعی داشتند کار اسلام پیشرفت کند و مسلمانان در آسایش و به دور از تفرقه و در یک صف مقابل مشکلات و دشمنان بیرونی قرار بگیرند؛ سیره امام حسین(ع) نیز که درصدد نجات محبو کامل اسلام بود و در پیچیدگی خاص قرار گرفت، راه‌گشا بود و به حاکمان و طبقه‌ای که از اهل رفاه شکل گرفته بود و بی‌خبر از وضع جامعه بودند، هشدار می‌داد.

وی می‌افزاید: این روش پاسخ داد و جامعه اسلامی را بیدار کرد تا در مقابل حاکمان سکوت نکنند بلکه از حقوق خود دفاع کنند. همان طور که انزوا در سیره اهل بیت(ع) جا و معنا ندارد مؤمن هم نباید منزوی باشد بلکه باید دائماً به تکلیف خود عمل کند. اگر امام سجاد(ع) در آن دوران تاریک اموی که درباره آن فرمودند: دوستان ما از شمار انگشتان دست تجاوز نمی‌کرد؛ منزوی می‌شدند اکنون ما کتاب عرفانی بی‌مانندی چون صحیفه سجادیه نداشتیم. اما حضرت(ع) به تربیت افراد به شیوه خاص پرداختند و مکتب اهل بیت(ع) را از انزوا خارج کردند.

با انزوا نمی‌توان فرهنگ ساخت

حجت‌الاسلام حسنلو اضافه می‌کند: اگر سیره امام صادق(ع) و امام باقر(ع) را نیز مورد تأمل قرار دهیم، درمی‌یابیم اگر منزوی بودند و صرفاً به عبادت می‌پرداختند خلفا با آن‌ها کاری نداشتند و متعرض آنان نمی‌شدند؛ امام رضا(ع) نیز هرگز در انزوا زندگی نکردند بلکه سیره ایشان مبتنی بر حضور در عرصه‌های فرهنگ و سیاست و اثرگذار در کلیت فرهنگ و تمدن اسلامی و پیشرفت‌های علمی آن روزگار است؛ بنابراین انزوا در منظومه فکری اهل بیت(ع) و شیعیان واقعی آنان جایگاهی ندارد؛ چراکه اساساً با انزوا نمی‌توان فرهنگ ساخت و تمدن را ترقی داد.

وی اظهار می‌کند: امام رضا(ع) از ظرفیت زمان خود در پیشبرد اهداف و تکالیف الهی امامت بهترین سودمندی‌ها را به جامعه اسلامی رساندند؛ شرکت در جلسات علمی با نشاط خاص، مشورت دادن به حاکمان در مصلحت امت اسلام، خیرخواهی برای امت و توصیه آنان به عدالت و پرهیز از ظلم در حق مردم از جمله کارهای بزرگی است که امام رئوف(ع) در آن دوران استبداد و سیطره ظلم انجام دادند.

این استاد حوزه علمیه قم درباره فرصت‌هایی که امام رضا(ع) به واسطه ولایتعهدی برای شیعه خلق کردند، تأکید می‌کند: فرصت‌ها و ظرفیت‌های به‌امثال در این برهه برای شیعه پدید آمد و امام رضا(ع) در این فرصت استثنایی شیعه را به اوج بالندگی رساندند و بسیاری از موانع رشد علمی شیعه را از میان برداشتند، به همین جهت است که پس از اندکی فاصله، شاهد حضور قدرت‌ها و حکومت‌های شیعه مذهب در ممالک اسلامی هستیم؛ آثار علمی شیعه در این زمان فراوان و جمعیت شیعه در این دوران برجسته‌تر و در امور سیاسی بیشتر دیده می‌شوند؛ تمایل به مکتب اهل بیت(ع) در میان دانشمندان اهل سنت و دیگر ادیان پدید شد و چه آثاری که علمای اهل سنت درباره فضایل اهل بیت(ع) از این زمان به بعد نوشته‌اند.

رها شدن شیعه از زندگی مخفیانه و تقیه به برکت امام رضا(ع)

وی ادامه می‌دهد: در این دوران در علوم مختلف از جمله طب، بهداشت و تغذیه آثار متعددی توسط شیعیان نوشته می‌شود و شیعه از انزوا و ترس و تقیه و هراس و زندگی مخفیانه رها می‌شود؛ چوی که به برکت حضور امام رضا(ع) در ایران و شرق جهان اسلام (در آن روزگار دوینجم کل دنیا را در اختیار داشت) ایجاد شد، بی‌مانند بود؛ صلح و آرامش به ممالک اسلامی حتی به طور موقت بازگشت و شیعه در این فرصت احیا شد و احیاگری کرد؛ جنبش‌های علمی و سیاسی شیعه که بعدها بر امور مسلط شدند، در این دوران شکل گرفتند و اندیشه‌های ناب شیعی بر محوریت اهل بیت(ع) پدیدار شد.وی با بیان اینکه امام رضا(ع) کار بزرگی انجام دادند، تأکید می‌کند: به همین سبب ائمه(ع) در میان امت اسلام و ادیان دیگر پس از ایشان به ابن‌الرضا(ع) مشهور شده‌اند.

آموزه‌های رضوی درباره توجه به کارگزاران اصلح

امام رضا(ع) به عالم آل رسول(ع) نیز ملقب شدند و علمیت و درایت و تسلط حضرت(ع) بر علوم همه جهان اسلام را در بر گرفت؛ چنان‌که بزرگان سه دین بزرگ یهود، مسیح و زرتشت و بنا بر برخی از اخبار حتی از هندوها هم در جلسات مناظره امام رضا(ع) حضور داشتند.

حجت‌الاسلام حسنلو ابراز می‌کند: پیش از این چنین اجتماعی در اسلام سابقه نداشت که رهبران ادیان بزرگ در جلسه ائمه(ع) یا هر جلسه‌ای گرد هم آیند و با مجادله احسن به گفت‌وگو بپردازند و رهبران ادیان با کلام منطقی خلفا با آن‌ها کاری نداشتند و متعرض آنان نمی‌شدند؛ امام رضا(ع) نیز هرگز در انزوا زندگی نکردند بلکه سیره ایشان مبتنی بر حضور در عرصه‌های فرهنگ و سیاست و اثرگذار در کلیت فرهنگ و تمدن اسلامی و پیشرفت‌های علمی آن روزگار است؛ بنابراین انزوا در منظومه فکری اهل بیت(ع) و شیعیان واقعی آنان جایگاهی ندارد؛ چراکه اساساً با انزوا نمی‌توان فرهنگ ساخت و تمدن را ترقی داد.

وی اظهار می‌کند: امام رضا(ع) از ظرفیت زمان خود در پیشبرد اهداف و تکالیف الهی امامت بهترین سودمندی‌ها را به جامعه اسلامی رساندند؛ شرکت در جلسات علمی با نشاط خاص، مشورت دادن به حاکمان در مصلحت امت اسلام، خیرخواهی برای امت و توصیه آنان به عدالت و پرهیز از ظلم در حق مردم از جمله کارهای بزرگی است که امام رئوف(ع) در آن دوران استبداد و سیطره ظلم انجام دادند.

این استاد حوزه علمیه قم درباره فرصت‌هایی که امام رضا(ع) به واسطه ولایتعهدی برای شیعه خلق کردند، تأکید می‌کند: فرصت‌ها و ظرفیت‌های به‌امثال در این برهه برای شیعه پدید آمد و امام رضا(ع) در این فرصت استثنایی شیعه را به اوج بالندگی رساندند و بسیاری از موانع رشد علمی شیعه را از میان برداشتند، به همین جهت است که پس از اندکی فاصله، شاهد حضور قدرت‌ها و حکومت‌های شیعه مذهب در ممالک اسلامی هستیم؛ آثار علمی شیعه در این زمان فراوان و جمعیت شیعه در این دوران برجسته‌تر و در امور سیاسی بیشتر دیده می‌شوند؛ تمایل به مکتب اهل بیت(ع) در میان دانشمندان اهل سنت و دیگر ادیان پدید شد و چه آثاری که علمای اهل سنت درباره فضایل اهل بیت(ع) از این زمان به بعد نوشته‌اند.

رها شدن شیعه از زندگی مخفیانه و تقیه به برکت امام رضا(ع)

وی ادامه می‌دهد: در این دوران در علوم مختلف از جمله طب، بهداشت و تغذیه آثار متعددی توسط شیعیان نوشته می‌شود و شیعه از انزوا و ترس و تقیه و هراس و زندگی مخفیانه رها می‌شود؛ چوی که به برکت حضور امام رضا(ع) در ایران و شرق جهان اسلام (در آن روزگار دوینجم کل دنیا را در اختیار داشت) ایجاد شد، بی‌مانند بود؛ صلح و آرامش به ممالک اسلامی حتی به طور موقت بازگشت و شیعه در این فرصت احیا شد و احیاگری کرد؛ جنبش‌های علمی و سیاسی شیعه که بعدها بر امور مسلط شدند، در این دوران شکل گرفتند و اندیشه‌های ناب شیعی بر محوریت اهل بیت(ع) پدیدار شد.وی با بیان اینکه امام رضا(ع) کار بزرگی انجام دادند، تأکید می‌کند: به همین سبب ائمه(ع) در

دارالشفا

غذا خوردن را چگونه آغاز کنیم؟

محمدرضا حسینی: خوردن و آشامیدن در نگاه دینی یعنی بهره‌گیری از نعمت‌های الهی در مسیر بندگی. شاید برای بعضی، غذاخوردن یک لذت یا تنها برطرف کردن نیاز ضروری بدن باشد اما اگر به خوردن غذا و آداب آن به‌عنوان درمان بیماری‌ها و یا پیشگیری از بسیاری از امراض نگاه کنیم، تأمل در کوچک‌ترین جزئیات رژیم غذایی و آداب غذا خوردن می‌تواند به حفظ سلامت بدن کمک کند. این موضوع بارها در آموزه‌های دینی و طب سنتی تأکید و در طب نوین نیز تأیید شده است. آموزه‌های دین‌مبین اسلام که به تمامی امور زندگی توجه کافی دارد، علاوه بر آنکه به حلال‌خوری، بسنده کردن به میزان کافی از غذا و دقت در کیفیت و نوع غذا دستور می‌دهد حتی به چگونگی شروع غذا و رفتار در هنگام غذا خوردن نیز می‌پردازد. شست‌وشوی دست پیش از خوردن غذا شاید یک مسئله ساده به‌نظر برسد، اما رسول اکرم(ص) در صفحه ۱۳۹ مکارم‌الاخلاق در این‌باره می‌فرمایند:«شست‌وشوی دست پیش از غذا، فقر را دور می‌کند و پس از غذا غم را می‌زداید و دیده را بهبود می‌بخشد». این روایت، خود گواه اهمیت این مسئله است. امام رضا(ع) نیز به شستن دست‌ها پیش و پس از خوردن غذا بسیار اهمیت می‌داد و آن را احترام به حق دیگران و بهداشت جمعی در میهمانی می‌دانست. در جلد ۷۵ بحارالانوار به نقل از ایشان می‌خوانیم: «این کار نعمت را پایدار و همیشگی می‌کند». امیرالمؤمنین علی(ع) نیز در تأیید این موضوع شستن دست‌ها پیش از غذا و پس از آن را دلیل افزایش روزی دانسته و امام صادق(ع) در توجه به آداب میزبانی می‌فرمایند:«پیش از غذا صاحبخانه شستن دستان را آغاز کند تا کسی خجالت نکشد اما پس از غذا از سمت ورودی پذیرایی، شست‌وشوی دستان بدون تعارف، میان افراد شروع شود». ایشان در ادامه در جلد ششم الکافی نیز می‌فرمایند:«شستن دست پیش و پس از غذا موجب گشایش و سلامتی است و رسول اکرم(ص) نیز به ویژه وقتی نان و گوشت می‌خورد، دستانش را به‌خوبی می‌شست سپس مانده آب دستانش را به صورت می‌کشید».

اما پس از شستن دست‌ها و گفتن بسم‌الله چه کنیم و با چه غذا را شروع نماییم؟ آغاز غذا با یک ماده غذایی سبک، توصیه مهم دیگری است که در آموزه‌های دینی به ما گفته شده است. پیامبراکرم(ص) می‌فرمایند: «خداوند عزوجل به موسی‌بن عمران وحی فرستاد غذا را با نمک آغاز کن و با نمک پایان ده». امام رضا(ع) درباره خواص نمک به‌نقل از پدران گرامی خویش از رسول اکرم(ص) خطاب به امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «بر تو باد نمک، چرا که در آن، شفای ۷۰ درد است که کمترین آن‌ها جذام، پیسی و دیوانگی است».

جالب آنکه تا مدت‌ها استفاده از نمک طعام در علم پزشکی مورد غفلت بود ولی امروز یافته‌های جدید پزشکی نیز استفاده از نمک را پیش و پس از صرف غذا توصیه می‌کند. طبق این یافته‌ها، مشخص شده استفاده از نمک پیش از غذا موجب ازبین رفتن میکروب دهان و با تحریک غدد‌های اطراف دهان موجب هضم زودتر غذا می‌شود، همچنین زمانی که نمک وارد معده خالی از غذا شود، معده را نیز تحریک می‌کند و ترشحات زیادتری به‌وجود می‌آورد تا غذا زودتر هضم شود.

درباره شروع غذا در جلد ششم الکافی نقل شده است: مردی در خراسان خدمت امام رضا(ع) رسید، غذایی برای آن حضرت آوردند که با آن سرکه و نمک بود. آن حضرت غذا را با سرکه شروع کردند. آن مرد گفت: قربانت گردم، شما به ما امر کردید با نمک شروع کنیم! آن حضرت فرمودند: «این هم مثل آن است و به‌درستی که سرکه ذهن را قوی و عقل را زیاد می‌کند».

روآق‌نامه

خلاصه‌ای از برنامه تلویزیونی «روآق»

اینجا حاجت‌ها گل می‌کنند

چهارمین برنامه تلویزیونی «روآق»، کار مشترک شبکه افق و روزنامه قدس، میزبان «حسین فرجی» یکی از خیران گل‌آرا و خادمان حرم مطهر امام حسین(ع) بود که کار گل‌آرایی حرم مطهر رضوی و سایر بارگاه‌های ائمه معصومین(ع) را انجام می‌دهد.

شهرام شکیبا دارابندی برنامه، بخش‌هایی از مطالب منتشر شده ویژه‌نامه روآق در روزنامه قدس از جمله تیتر:«ای غبار خاک پایت توتیای چشم من» را خواند و اظهار کرد: در لابه‌لای خبرهای روزنامه‌ها که هر روز منتشر می‌شوند، ویژه‌نامه روآق با خبرها و مطالب نرم درباره سیره و فرهنگ رضوی و ائمه معصومین(ع)، آرام آرام دل آدم را شاد می‌کند.

حسین فرجی هم از تاریخچه گل‌آرایی حرم‌های مطهر ائمه معصومین(ع) در ایران و عراق گفت: «۱۷۰ سال است حرم‌های مطهر ائمه معصومین(ع) در نجف، کربلا و کاظمین در اعیاد شعبانیه با گل‌های اهدایی تولیدکنندگان گل از سراسر ایران، گل‌آرایی می‌شوند».

وی با اشاره به اینکه حدود هفت سال است توفیق گل‌آرایی حرم مطهر رضوی و حرم حضرت معصومه(س) در دهه کرامت را پیدا کرده، گفت: امسال ۳۵۰ هزار شاخه گل به تزئین حرم امام رضا(ع) و حضرت معصومه(س) اختصاص پیدا کرده و در سالروز میلاد خجسته حضرت رضا(ع) صحن‌های آزادی و انقلاب و پنجره فولاد حرم مطهر رضوی و حرم حضرت معصومه(س) دوباره گل‌آرایی خواهند شد.فرجی معتقد است: به تک تک شاخه‌های گل، هزاران حاجت گره خورده است. این گل‌های اهدایی مردم، از سراسر کشور ایران آمدند تا از فیض حضور در جوار ملکوتی حضرت رضا(ع) جلوه و زینت بگیرند.

طبق معمول روزهای پیش، پخش صحبت‌های ضبط شده دکترمحمد حسین زحیی دوانی، درباره تأثیر حضور امام رضا(ع) در ایران از دیگر بخش‌های برنامه روآق بود. این پژوهشگر به تأثیرات

سازه «تل زینبیه» تابستان ۱۴۰۲ تکمیل می‌شود

یوسف افضلی، معاون فرهنگی ستاد بازسازی عتبات اعلام کرد: «سازه تل زینبیه در طرح توسعه حرم امام حسین(ع) بیش از ۹۰ درصد پیشرفت داشته است و بر اساس پیش‌بینی صورت گرفته، تابستان ۱۴۰۲ تکمیل و پذیرای زائران می‌شود. تل زینبیه در چهار طبقه در حال ساخت است که دو طبقه زیرزمینی، یک طبقه به عنوان همکف و طبقه بالایی نیز بالکن است».

اخبار

به همت مدیریت رسانه‌های صوتی و تصویری آستان قدس رضوی

«توحیدخانه» از شبکه چهار سیما روی آنتن می‌رود

به همت مدیریت رسانه‌های صوتی و تصویری آستان قدس رضوی در دهه کرامت، ویژه‌برنامه «توحیدخانه» از شبکه چهار سیما روی آنتن می‌رود.

به گزارش آستان‌نیوز، همزمان با روزهای گرامیداشت دهه کرامت، ویژه‌برنامه توحیدخانه با موضوع جلوه‌های تمدنی در فرهنگ رضوی از شبکه چهار سیما پخش می‌شود.

این برنامه با همکاری بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی در ۱۰ قسمت تولید شده و در هر برنامه به مدت ۴۵ دقیقه کارشناسان، نظریه‌پردازان و استادان حوزه و دانشگاه به تبیین جلوه‌های تمدنی در فرهنگ و سیره رضوی می‌پردازند. از جمله کارشناسان این برنامه می‌توان به حجج اسلام مجتبی الهی خراسانی، نظافت، سیدعباس نبوی، دکتر موسی نجفی، استاد مهدی خواجه‌پیری و... اشاره کرد.این برنامه به کارگردانی هادی حاجتمند و به تهیه‌کنندگی مدیریت رسانه‌های صوتی و تصویری آستان قدس رضوی هر روز از ساعت ۱۲:۱۵ روی آنتن می‌رود.

آستان قدس رضوی سرباز امریه جذب می‌کند

به گزارش آستان‌نیوز، آستان قدس رضوی با دریافت مجوز جذب نیروهای امریه برای خدمت سربازی از سوی سازمان وظیفه عمومی ناجا و بر اساس سهمیه اختصاص یافته، اقدام به جذب سربازان امریه می‌کند.

مهلت نام‌نویسی و ارسال درخواست متقاضیان در این سامانه از تاریخ ۱۴۰۰/۰۴/۰۱ به مدت ۱۰ روز است و شامل داوطلبانی می‌شود که تاریخ اعزام آن‌ها ۱۴۰۰/۰۸/۰۱ است.متقاضیان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر و انجام مراحل اولیه جذب نظیر ارسال درخواست و نام‌نویسی به نشانی reg.razavi.ir مراجعه کنند.

این خانواده ۵۰ سال است حرم امام رضا(ع) را چراغانی می‌کند

وقفی از جنس نور

آرزو مستأجر حقیقی: چراغانی حرم با ریسه‌ها و لامپ‌های چند رنگ؛ آیینی است که قدمتی دیرینه دارد اما از حدود نیم قرن پیش و با یک وقف ماندگار، تلألو آن بیشتر شد و چشمان زائران امام رضا(ع) روشن‌تر.

به گزارش آستان‌نیوز، در آستانه سالروز میلاد پربرکت حضرت رضا(ع)، صحن و سرای رضوی غرق در نور و شادی است و می‌توان تلألوی زیبای ریسه‌های زرد، سبز و قرمز را در چشمان مشتاق زائران کوچک و بزرگ دید. بخش گسترده‌ای از این ریسه‌های دلبرانه به همت خانواده زنده‌یاد «حسین حاج اسماعیل آهنگر» در دهه کرامت به صحن‌ها راه یافته است.

بیش از نیم قرن است که این خانواده خیراندیش برای چراغانی حرم مطهر در ایام ولادت امام رضا(ع) به مشهد مقدس مشرف می‌شوند و این روزها هم دوباره زائر امام شده‌اند.

اشک در چشمانش حلقه زد

تعدادی از اعضای این گروه افتخاری مقابل اداره روشنایی حرم مطهر رضوی در حال آماده کردن ریسه‌های رنگی هستند. بعضی دیگر هم در صحن غدیر، در حال نصب ریسه‌ها. محمد حاج اسماعیل آهنگر ۸۴ ساله، ریش‌سفید جمع است و برای روایت داستان این وقف، به گذشته‌های دور برمی‌گردد و می‌گوید: در دوران جوانی که به مشهدالرضا مشرف شده بودم گروهی را دیدم که در حال انجام ریسه‌بندی حرم مطهر بودند، اما چراغانی فقط در محدوده گلدسته‌ها بود. با خودم گفتم آذین‌بندی حرم در ولادت امام باید خیلی پرشورتر و زیباتر از این باشد، همان لحظه نیت کردم که برای دهه کرامت سال آینده کاری کنم و در برپایی این جشن شریک شوم. یک سال بعد، درست یک ماه مانده به سالروز ولادت امام رضا(ع)، در خواب نیمروزی بودم که احساس کردم کسی از من می‌پرسد: «چه شد آن نیتی که در حرم کردی؟». نیتم را به یاد آوردم و به فکر انجامش افتادم.

با حسین، برادر بزرگم که کارمند راه‌آهن بود، مشورت کردم و از او خواستم درباره راه مشارکت برای چراغانی حرم در ولادت امام رضا(ع) از مسئولان حرم پرس‌وجو کند. او هم پیگیری کرد و نتیجه‌اش این شد که نیت ما به عنوان یک وقف ثبت شد و به خاطر اینکه کارهای اداری‌اش را برادرم انجام داده بود، این خدمت به نام او ماندگار شد. وقتی از او درباره حال دلش حین انجام این خدمت می‌پرسم، اشک در چشمانش حلقه می‌زند و می‌گوید: زنده به همین خدمت هستم که هر سال این ایام برسد و برای چراغانی به مشهد بیایم، عشق و زندگی‌ام همین کار است.

از آن زمان بیش از ۵۰ سال است که این خانواده، هر سال در دهه کرامت برای چراغانی حرم مطهر به مشهد مشرف می‌شوند. زنده‌یاد حسین حاج اسماعیل آهنگر تا زمانی که در قید حیات بود آن‌ها را همراهی می‌کرد، حالا هم که آسمانی شده، نامش زنده است و از او به نیکی یاد می‌شود. امسال این گروه افتخاری شامل ۱۰ نفر از جمله چهار برادر زنده‌یاد حسین حاج اسماعیل آهنگر و تنی چند از آشنایان و دوستان این خانواده است.

> **بیش از نیم قرن است که این خانواده خیراندیش برای چراغانی حرم مطهر در ایام ولادت امام رضا(ع) به مشهد مقدس مشرف می‌شوند و این روزها هم دوباره زائر امام شده‌اند**

۲۰ هزار لامپ رنگی

محمدآقا می‌گوید: ۲۰ هزار لامپ رنگی برای آراستن صحن‌های مختلف و اجرای این موقوفه روشنایی از تهران با خود آورده‌ایم و قرار است این خدمت در آستانه ولادت امام رضا(ع) در مدت چهار روز انجام شود. به گفته او، دوستانی که در این برنامه همراه خانواده واقف شده‌اند، هر کدام نذر و نیتی دارند و با توسل به امام رئوف(ع)، حاجت روا شده‌اند.

خدمتی عاشقانه

قاسم حاج اسماعیل آهنگر، یکی دیگر از برادران محمدآقاست. او می‌گوید: ۲۷ سال است که به عشق آقا علی بن موسی الرضا(ع) به همراه برادرم برای انجام این خدمت می‌آیم و هر کاری از دستم بربیاید، انجام می‌دهم. قاسم‌آقا ادامه می‌دهد: یک ماه به ایام ولادت امام رضا(ع) در منزل برادرم جمع می‌شویم تا برنامه سفر را هماهنگ کنیم. با شوق فراوان راهی مشهد می‌شویم اما افسوس می‌خوریم که خیلی زود این چند روز سپری می‌شود، هر سال چراغانی تمام می‌شود و به تهران برمی‌گردیم، روزشماری می‌کنیم تا دوباره دهه کرامت شود و راهی مشهد شویم.

او می‌گوید: تمامی اعضای گروه، در سرما و گرما، عشق خدمت در این آستان مقدس را دارند تا زائری که به پابوس حضرت رضا(ع) می‌آید، دلشاد به شهر و دیارش بازگردد.

مشارکت در سنتی ماندگار

مهدی حاج اسماعیل آهنگر از دیگر اعضای گروه است. او بیش از ۲۵ سال است با برادرانش در این خدمت پرنور همکاری می‌کند و می‌گوید: همیشه امام رضا(ع) آبروی ما را در مقابل زائران خریده است. امیدوارم بتوانیم نسل به نسل این خدمت را انجام دهیم.

در این بین، با مهدی معینیان نیز همکلام می‌شوم. او از سال ۱۳۷۲ با برادران آهنگر برای انجام این خدمت همراه و هم‌سفر می‌شود. معینیان می‌گوید: به خاطر نذری که عمویم برای سلامتی‌ام در یک سانحه تصادف کرده بود، با این خانواده و خدمتشان در حرم رضوی آشنا شدم. پس از اینکه یک بار برای ادای نذر همراه گروه شدم، دیگر نتوانستم از انجام این خدمت در بارگاه نورانی امام هشتم(ع) دل بکنم و تا جایی که امکانش بوده، هر ساله به مشهد آمده‌ام.

آگهی تغییرات شرکت کیهان تجارت قائم سهامی خاص به شماره ثبت ۴۸۵۱۵۱ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۵۱۵۳۵۶

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۹,۱۱,۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به سال ۱۳۹۸ مورد تصویب قرارگرفت.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۱۱۵۰۴۹۷)

۱۴۰۲۶۹۱

آگهی تغییرات شرکت بهنامان لاستیک توس شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۲۲۸۹ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۲۷۹۷۹۰

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۹,۱۲,۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : هیئت مدیره اختیارات خود را در مورد ماده ۲۷ موضوع اقامه هرگونه دعوی اعم از حقوقی یا جزائی و دفاع از هر دعوی حقوقی و جزائی اقامه شده از طرف شرکت و به نام شرکت و یا علیه شرکت در هر یک از دادگاههای عمومی انقلاب و اختصاصی با نضمام کلیه اختیارات مورد نیاز در دادرسی از آغاز تا ختم رسیدگی و اجرای حکم اعم از تجدید نظر خواهی و اعتراض به رأی - و فرجام خواهی و اعاده دادرسی - ادعای جعل و انکار و تردید نسبت به سند طرف و استرداد سند و تعیین جاعل و ارجاع دعوی به داوری و تعیین داور و مصدق وکارشناس و اعتراض به نظر آنها و صلح و سازش به استرداد دعوی و دادخواست و دعاوی جلب شخص ثالث اعتراض شخص ثالث و ورود شخص ثالث و دعوی تقابل و دفاع در مقابل دعاوی مذکور و دعوی اعسار و خسارت و قبول یا رد سوگند درخواست صدور برگ اجرائی و تعقیب عملیات اجرائی و اخذ محکوم به و وجوه ایداعی بنام شرکت را به مدیر عامل تفویض می نماید. به مدیر عامل اختیار انتخاب وکیل به هر تعداد با حق توکیل به غیر با تفویض هر یک از اختیارات مذکور با حق عزل وکیل تفویض گردد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۱۱۵۰۵۸۳)

۱۴۰۲۶۹۴

آگهی تغییرات شرکت قند تربت حیدریه شرکت سهامی عام به شماره ثبت ۱۰۳ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۰۱۹۶۰۲

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۹,۱۲,۲۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ۱ -:آقای حسین مولوی به شماره ملی ۰۶۵۱۸۹۴۷۱۹ به عنوان نماینده جدید آستان قدس رضوی وآقای احمد هراتی به شماره ملی ۰۷۰۲۴۵۱۴۵۲ به عنوان نماینده جدید موسسه سازمان اقتصادی رضوی تا پایان تصدی هیئت مدیره تاتاریخ ۱۴۰۰,۰۸,۲۹ انتخاب شدند ۱- آقای علی شادمان به شماره ملی ۰۹۱۹۷۳۹۴۴۱ به عنوان رئیس هیئت مدیره ۲- آقای علی اکبر جعفری خطایلو به شماره ملی ۲۷۵۳۴۱۲۷۶۶ به عنوان نائب رئیس هیئت مدیره ۳- آقای حسین مولوی به شماره ملی ۰۶۵۱۸۹۴۷۱۹ به عنوان عضو هیئت مدیره ۴- آقای سید علی برین به شماره ۰۹۳۹۲۷۳۶۹۱ به عنوان عضو هیئت مدیره ۵- آقای احمد هراتی به شماره ملی ۰۷۰۲۴۵۱۴۵۲ به عنوان عضو هیئت مدیره ۶- آقای احسان اله اژدری به شماره ملی ۰۸۷۰۳۱۷۳۳۴ به عنوان مدیرعامل ۷- هیئت مدیره تا پایان تصدی هیئت مدیره ۱۴۰۰,۰۸,۲۹انتخاب شدند وکلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک ، سفته ، بروات ، قراردادها و عقود اسلامی با امضاء مدیرعامل و معاون مالی اداری شرکت (آقای مهدی صبوری به شماره ملی ۰۷۰۲۹۴۸۴۹۷) و در غیاب مدیرعامل با امضای رئیس هیئت مدیره و یکی از اعضای هیئت مدیره و در هر حال همراه با مهر شرکت معتبر می باشد .

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تربت حیدریه (۱۱۵۰۵۶۹)

۱۴۰۲۶۹۳

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۰۸۰۰۱۰۰۰۸۱۵ مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۲۹ هیئت اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بیرجند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسین طیبی فرزند محمدعلی بشماره شناسنامه ۹۱۴ و کدملی ۰۶۵۱۸۰۴۵۹۰ در ششدانگ یک باب منزل به مساحت ۱۵۷/۷۳ مترمربع پلاکهای ۴ و ۵و ۸ و۹ فرعی از ۴۵۲ ـ اصلی واقع در خراسان جنوبی بخش یک حوزه ثبت ملک بیرجند از محل مالکیت غلامرضا مزدور فرد و محمد حسین طحانی و فاطمه صغری طحانی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود رابه این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.آ۱۴۰۲۰۶۳

تاریخ انتشار نوبت اول : سه شنبه ۱۴۰۰/۰۳/۱۱ تاریخ انتشار نوبت دوم : پنج شنبه ۱۴۰۰/۰۳/۲۷

علی فضلی

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بیرجند

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۰۸۰۰۱۰۰۰۹۶۰ مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۰۲ هیئت اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بیرجند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسین خسروی فرزند محمد بشماره شناسنامه ۲ و کدملی ۰۶۵۲۷۵۷۱۷۰ در ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۳۸۲/۲۸ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۵۱۴ ـ اصلی واقع در خراسان جنوبی بخش دو حوزه ثبت ملک بیرجند که پلاک مزکور با سایر پلاکهای شمال شهر تحت عنوان ۱۵۵۴ ـ اصلی تجمیع گردیده اند از محل مالکیت سید ابولفضل کوشه ای محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود رابه این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.آ۱۴۰۲۰۶۴

تاریخ انتشار نوبت اول : سه شنبه ۱۴۰۰/۰۳/۱۱ تاریخ انتشار نوبت دوم : پنج شنبه ۱۴۰۰/۰۳/۲۷

علی فضلی

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بیرجند

آگهی موضوع ماده۳قانون وماده۱۳آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقدسندرسمی

برابرای شماه۱۴۰۰۶۰۳۰۶۰۲۲۰۰۰۱۴۹هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقدسندرسمی مستقردرواحدثبتی حوزه ثبت ملک فریمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم زیورمزینی فرزند قاسم به شماره شناسنامه ۱۱۸۶صادره ازفریمان کد ملی ۰۸۴۹۸۶۹۹۶۱دریک باب ساختمان به مساحت ۱۵۵.۲۴ مترمربع پلاک۲۴۰۵ فرعی از۲۷۶ اصلی واقع دربخش۱۳ازمحل مالکیت رسمی متقاضی محرزگردیده است.لذابه منظوراطلاع عموم مراتب دردونوبت به فاصله۱۵روزآگهی می شوددر صورتی که اشخاص نسبت به صدورسندمالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند ازتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خودرابه این اداره تسلیم وپس ازاخذرسید،ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض،داد خواست خود رابه مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادرخواهدشد.آ۱۴۰۲۱۶۷

تاریخ انتشارنوبت اول:۱۴۰۰،۳،۱۳

تاریخ انتشارنوبت دوم:۱۴۰۰،۳،۲۷

محمدرضارجایی مقدم

رئیس اداره ثبت اسنادواملاک

آگهی موضوع ماده۳قانون وماده۱۳آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقدسندرسمی

برابرای شماره۱۴۰۰۶۰۳۰۶۰۲۲۰۰۰۱۴۸هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقدسندرسمی مستقرداواحدثبتی حوزه ثبت ملک فریمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم زهره مزینی فرزند قاسم به شماره شناسنامه ۸۲۲۳صادره ازفریمان کدملی ۰۸۴۸۵۰۱۶۸۳دریک باب ساختمان به مساحت۲۲۹ مترمربع پلاک۲۴۰۵ فرعی از۲۷۶ اصلی واقع در بخش۱۳ازمحل مالکیت رسمی متقاضی محرزگردیده است.لذابه منظوراطلاع عموم مراتب دردونوبت به فاصله۱۵روزآگهی می شوددر صورتی که اشخاص نسبت به صدورسندمالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند ازتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خودرابه این اداره تسلیم وپس ازاخذ رسید،ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض،داد خواست خود رابه مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادرخواهدشد.آ۱۴۰۲۱۶۸

تاریخ انتشارنوبت اول:۱۴۰۰،۳،۱۳

تاریخ انتشارنوبت دوم:۱۴۰۰،۳،۲۷

محمدرضارجایی مقدم

رئیس اداره ثبت اسنادواملاک

آگهی موضوع ماده۳قانون وماده۱۳آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقدسندرسمی

برابررای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۰۶۰۲۲۰۰۰۱۴۷هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقدسندرسمی مستقرداواحدثبتی حوزه ثبت ملک فریمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم زری مزینی فرزند قاسم به شماره شناسنامه ۱۰۵۸۰صادره ازفریمان کد ملی ۰۸۴۸۵۲۶۶۸۶دریک باب ساختمان به مساحت ۱۸۱.۲۶ مترمربع پلاک۲۴۰۵ فرعی از۲۷۶ اصلی واقع دربخش۱۳ازمحل مالکیت رسمی متقاضی محرزگردیده است.لذابه منظوراطلاع عموم مراتب دردونوبت به فاصله۱۵روزآگهی می شوددر صورتی که اشخاص نسبت به صدورسندمالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند ازتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خودرابه این اداره تسلیم وپس ازاخذرسید،ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض،دادخواست خودرابه مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادرخواهدشد.آ۱۴۰۲۱۶۹

تاریخ انتشارنوبت اول:۱۴۰۰،۳،۱۳

تاریخ انتشارنوبت دوم:۱۴۰۰،۳،۲۷

محمدرضارجایی مقدم-رئیس اداره ثبت اسنادواملاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۲۶۰۰۹۰۰۰۲۴۱ مورخه ۱۴۰۰/۳/۱ هیئت اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقردر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فامنین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای رسول صاحبی کریم فرزند مصطفی به شماره شناسنامه ۶۰ صادره ازفامنین دریک واحد دامداری به مساحت ۱۲۰۰مترمربع پلاک ۷۸ اصلی واقع دربخش پنج همدان اراضی روستای دهلق شهرستان فامنین خریداری ازمالک رسمی آقای عبداله داموغ محرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ،ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ،دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند .بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد .(م الف۸۰)۱۴۰۲۱۶۶

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۰/۳/۱۳

تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۰/۳/۲۷

رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان فامنین - رضا بیات

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبت تایباد

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیان که در هیئت موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در بخش ۱۴ مشهد واحد ثبتی شهرستان تایباد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آن محرز و رأی لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد:

آقای عبدالله رمضانی به شناسنامه شماره ۶۷۸۹ کدملی ۰۷۴۸۴۰۷۵۴۵ صادره تایباد فرزند فیض محمد در ششدانگ یک قطعه زمین محصور مشتمل بر بنای احداثی به مساحت ۱۴۰۰ مترمربع پلاک شماره ۲۴۷ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۱۴ مشهد حوزه ثبت ملک تایباد قسمتی از مالکیت مشاعی متقاضی و قسمتی از پلاک * کلاسه ۵۵۸-۹۸

لذا بموجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه کثیرالانتشار منتشر تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترضین باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتیکه اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. آ۱۴۰۲۰۷۲

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۳/۱۱

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۳/۲۷

کفیل ثبت اسناد و املاک تایباد- مهدی حسین‌زاده

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای حسنقلی منشی فرزند جعفربه ش ش ۱۵صادره ازشیروان به استناد دو برگ استشهادیه تأییدشده توسط دفتر اسناد رسمی شماره ۳۰شیروان منضم به تقاضای کتبی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی اند که سند مالکیت ششدانگ اعیانی یکباب منزل مسکونی بشماره پلاک ۱۴۹۸فرعی مفروز ومجزی شده از۱۱ اصلی مزرعه خانلق واقع در قطعه سه شیروان بخش ۵ قوچان به آدرس بلوارفجر ۱۷شهریور۴پلاک۴۶می‌باشد به علت نامعلومی مفقود شده است با بررسی دفتر املاک معلوم گردیده که سند مالکیت اولیه بشماره چاپی۱۰۵۶۴۴ذیل ثبت ۶۵۰۹۹صفحه۳۰۱دفتر۱۹۸ به نام نامبرده صادر و تسلیم گردیده است سپس برابر سندرهنی بشمارات ۷۹۶۶۴-۱۳۹۸/۵/۱۷و۸۵۰۳۲-۱۳۹۹/۲/۱۱در رهن بانک سینا قرارگرفته است لذا به استناد تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی و متذکر می گردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد بایستی ظرف ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض خود را به همراه اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. ۱۴۰۲۶۸۰۱ تاریخ انتشار :۱۴۰۰/۰۳/۲۷

اکبراقبالی

رئیس ثبت اسناد املاک شیروان